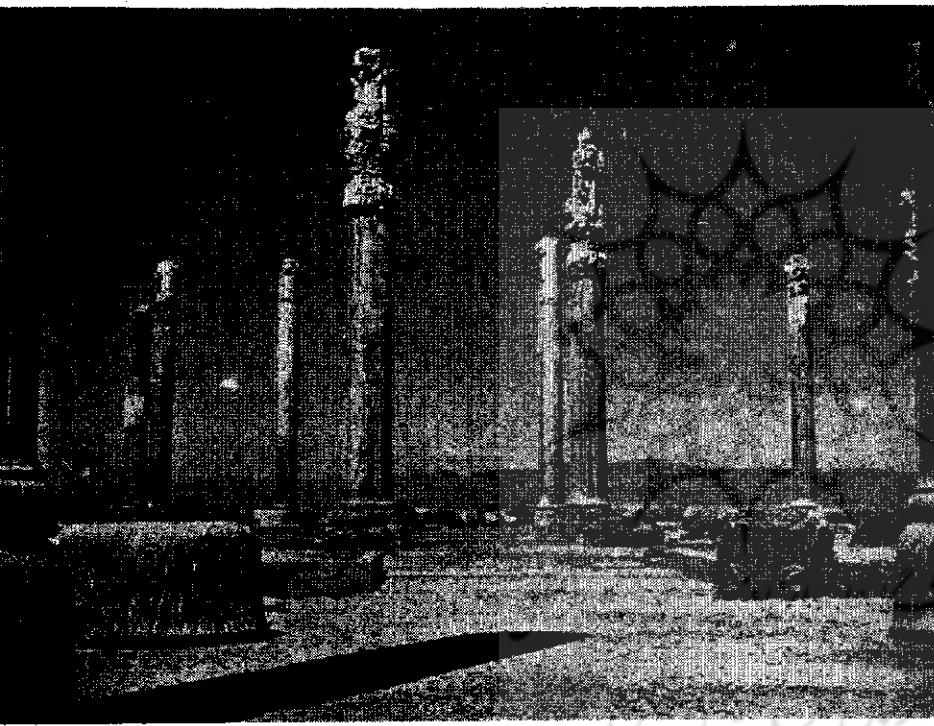


در جستجوی شهرهای گمشده

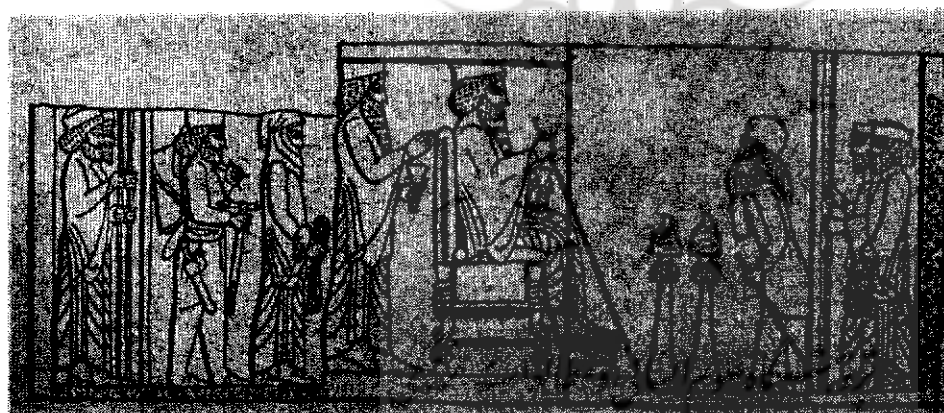
سیری در تخت جمشید

دکتر عیسی بهنام
استاد دانشکده ادبیات



راست: سربازان هخامنشی با لباس مجلل وتیر و کمان وتیرکش‌هایشان در اطراف تخت پاس می‌دهند. قبه نیزه‌هایشان از طلا است. اینها با این نیزه‌ها نیمی از جهان را زیر حکومت خود آوردند وصلح وخوشبختی مردم را تأمین کردند
چپ: قسمتی از ۷۲ ستون سنگی، سقف «ایدنه» را به فاصله ۴۰ متر از کف تخت جمشید نگه داشته است. شاهنشاه ایران روز نوروز در این تالار می‌نشست ونمایندگان ملل هدایای خود را در کنار تختش قرار میدادند وباو شادباش میگفتند

هرسال هزاران مسافر خارجی و داخلی به تخت جمشید میروند واز دیدن زیبایی‌هایی که پدران ما در آنجا پیادگار گذاشته‌اند لذت میبرند. از کاخ‌های با عظمت کورش و داریوش



بالا : نمایندگان ملل شاهنشاهی هدایایی مانند دستبند زرین و اسبهای زیبا برای شاهنشاه به عنوان هدیه نوروز میآوردند

پائین : شاهنشاه روی تخت نشسته ولیعهد (خشایارشا) درکنارش ایستاده و منصب-داران دیگر نیز درعقب او قرار گرفته‌اند

نشسته بود، خدمتگزاری چتر بزرگی را در بالای سر او نگهداشته بود خشایارشا ولیعهد جوان درکنار پدرش ایستاده و پشت سر پادشاه و ولیعهد صدراعظم کشور «ویچیره» و «وزرگ فرامدار» رئیس کل قوای نظامی و «مؤبد مؤبدان» و صاحبان مناصب عالی کشور ایستاده بودند.

بیش از دو هفته بود که چادرهای مجلل که لبه‌هایشان را بامنگوله‌های زرین زینت کرده بودند سراسر دشت را پوشانیده بود، نمایندگان ملل از بلخ و سغد و بلوچستان و سیستان و تپورستان و گیلستان تاملط (کنار دریای مدیترانه) درکنار دریای یونان و مصر و حبشه و آسیای صغیر و قفقاز و غیره و غیره همه باهدایای گرانبها برای بزرگداشت شاهنشاهی

یاد میشود و خاطره‌های فراموش‌نشده‌ی دربینندگان بوجود می‌آید. هنگامیکه روی تخت باشکوه جمشید دشت وسیع مرودشت را نظاره می‌کنید، چه بخاطر می‌آورید؟ بارها شاهنشاهانی مانند داریوش بزرگ و خشایارشا در همان محلی که شما اکنون ایستاده‌اید ایستاده‌اند و منظره دشت کنار تخت را نظاره کرده‌اند. ولی آنچه که آنها میدیدند با آنچه که شما می‌بینید اختلافی دارد:

روز نوروز سال ۵۰۸ پیش از میلاد بود تازه کار تخت - جمشید سروسامانی گرفته بود، شاهنشاه ایران داریوش بزرگ در بالای سکوی غربی تخت در همان محلی که اکنون هنوز کتیبه‌ای به خط میخی پارسی نمایان است روی تخت مجللی

ایران و تبریک بمشاهنشاه و تقدیم هدایا بسوی پایتخت کشور بزرگی که «ازسند تا کوشان (حیثه) و از دریای یونان تا خلیج فارس» وسعت داشت آمده بودند.

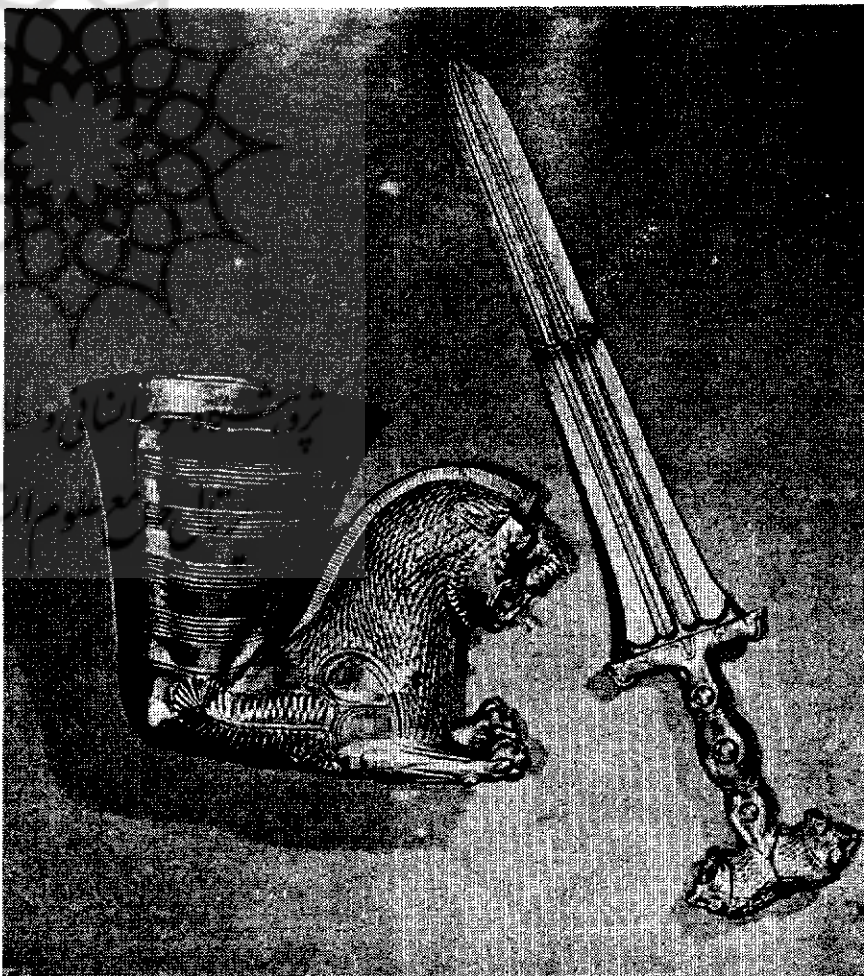
در میان هدایا گذشته از جارهای زرین و سیمین کار هنرمندان آسیای صغیر و طاقه‌های شال کشمیر و خراسان و اسبهای زیبای گرگان و قوچ‌های مرتع سرستان و حتی شترهای دوکوهانه خوارزم چیزهای جالب دیگر مانند بچه شیرها و پوست پلنگ و گردونه‌های مجلل و غیره و غیره نیز دیده میشد. ابتداء نمایندگان «تمام ملل» از مقابل شاهنشاه دریای - تخت گذشتند. صدای هلهله وزنده باد به آسمان بلند بود و این کار تا چند ساعت از آفتاب گذشته بطول انجامید. فقط رؤسای نمایندگان میتوانند به بالای تخت برای نزدیک شدن به شاهنشاه بروند زیرا تخت جمشید با وجود وسعتش گنجایش تمام آنها را که برای عرض شادباش آمده بودند نداشت.

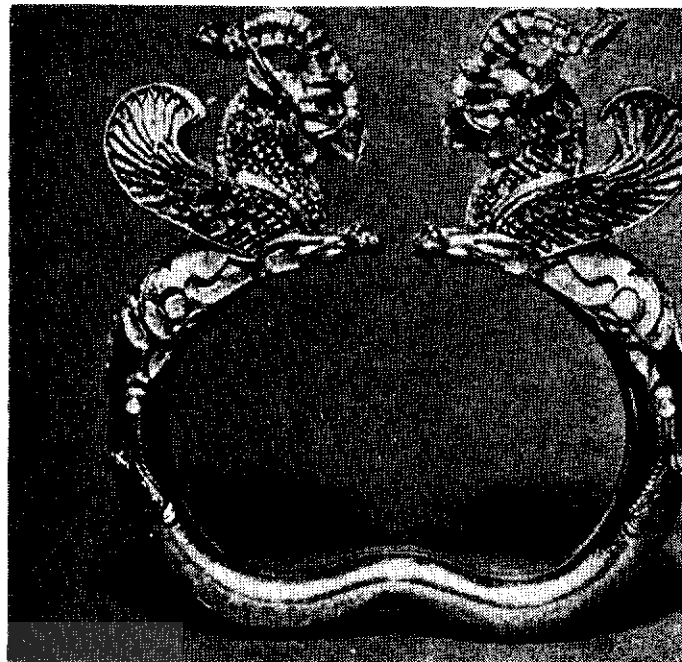
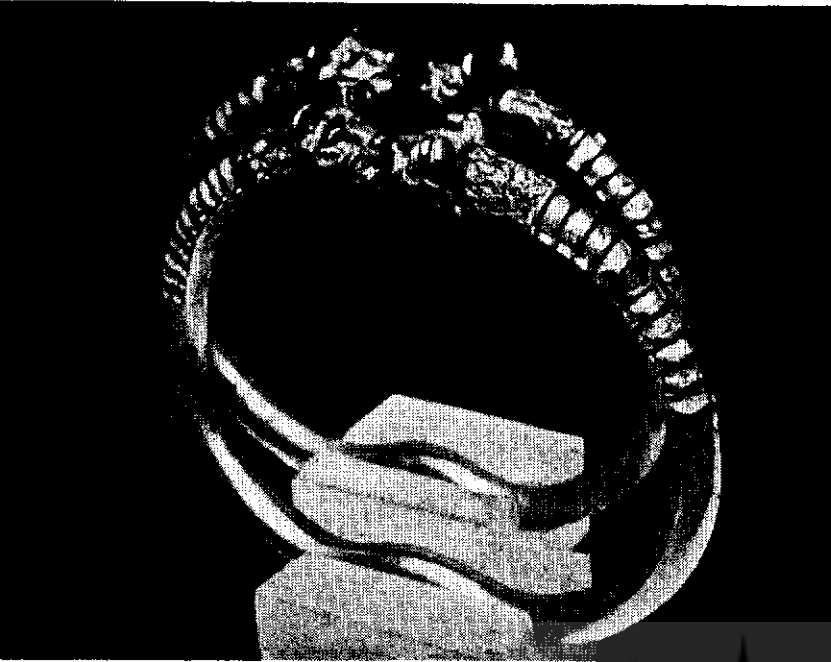
شاه از بالای سکو با همراهانش به آهستگی و با وقار از در جنوبی وارد تالار بزرگ آپادانا شد، ۷۲ ستون سقف این تالار بزرگ را در ارتفاع ۲۰ متر از کف تخت نگهداشته بود.

نمایندگان ملل یکایک هدایای خود را در پای تخت شاهنشاه قرار دادند در حوالی نیمروز شاهنشاه با عده‌ای از خواص و صاحبان مناصب عالی از مادها و پارسها از تالار آپادانا خارج شدند و بسوی تالار تخت «تالار صد ستون» روان گردیدند. در آنجا انواع خوراکیهای لذیذ روی سفره‌های زیبا در جامهای زرین و سیمین قرار داده شده بود. مدتی به صرف غذا و نوشیدن شرابهای لذیذ شیراز گذشت و سپس شاهنشاه و همراهانش از همان راهی که به تالار تخت آمده بودند مجدداً به تالار «اپدنه» مراجعت نمودند.

گذشته از این مجلس که از نزدیکان شاهنشاه و مرتب‌داران و سران لشکر و از این نوع اشخاص تشکیل یافته بود در پهنه

راست: شاهنشاهان چنین خنجرهای زرین بر کمر می‌بستند و در چنین جامهای زرین می‌نوشیدند چپ: صنعتگران «ماد» چنین گلدانهای سیمین زراندود به عنوان هدیه برای شاهنشاهان خود به تخت جمشید می‌آوردند





راست : نمونه‌ای از هدایای نوروز کار هنرمندان « ماد » چپ : نمونه‌های دیگری از هدایای نوروز کار هنرمندان « ماد »

وهوا آنقدر گرم نمیشود که بتوان در زیر چادر زندگی کرد . شما که در مقابل سنگ تراش‌های کاخ مجلل تخت جمشید حیرانید آیا میل ندارید قدم فرانهدید و راجع به صنعتگرانی که این شاهکارها را بوجود آورده‌اند و از روی تواضع و فروتنی حتی نخواسته‌اند نام خود را در گوشه آن به یاد شما بیاورند تحقیقی کنید یا صحبتی کنید؟

تصور اینکه در میان این کارگران و هنرمندان افرادی از ملل مختلف بچشم میخورد و از تمام این ملل بود که شاهنشاهی ایران بوجود آمده بود و در رأس آنها مردم پارس و ماد قرار داشتند که در آغاز بیشتر مناصب بدست آنها بود . داریوش بزرگ با نظر بلندی که داشت تدریجاً مناصب عالی را به مردمان ملل غیر فارسی و ماد نیز محول نمود . هنوز نقش نمایندگان «تمام ملل» که تخت شاهنشاهی را روی سر خود گرفته‌اند در ویرانه‌های تخت جمشید مشهود است ، این ملتها که قرن‌های متمادی از صلح و آسایش محروم بودند حکومت پارسها را با کمال شادی پذیرفتند زیرا این پارسها بودند که توانستند برای قرن‌ها همانطوریکه خشایارشا در یکی از کتیبه‌های کاخ خزانه میگوید «صلح و آرامش و خوشبختی را برای مردمان آماده نماید» و همین شاهنشاه اضافه میکند «من تمام این کارها را با کمک خدای بزرگ اهورامزدا انجام دادم» .

دشت وسیع مرو دشت خدمه و آشپز و پیشخدمت و کارگرهای مختلف از قبیل سنگ تراش و چوپان و برزگر و نجار و نقاش و تمام صنعتگران نیز آنروز جشن مجلل نوروز را برپا کرده بودند اما امروز جز آثاری از تخت جمشید از خانه‌های این مردم که از مجموع آنان کشور بزرگ شاهنشاهی ایران بوجود می‌آمد اثری برجا نیست .

البته در کنار تخت نزدیک دیوارهای سنگی غربی و جنوب غربی هنوز باقی مانده‌های ستونهای زیبای منزل‌های درباریان و نزدیکان شاهنشاه بچشم میخورد و منتظر روزی است که دانشمندان باستان‌شناسی بسراغشان برود و خاک دوهزار و پانصد ساله را از رخشان بردارد و از آنها پرسش‌هایی کند .

ولی از خانه‌های درباریان که بگذریم دیگر چیزی بچشم نمیخورد و دیوارهای خشتی خانه دهقانان چنان با کف زمین یکسان شده که کوچکترین اثری از آنان نیست .

با این حال من رفت و آمد آنرا در کنار تخت و سرتاسر مرو دشت تا کنار رود پلوار می‌بینم . چگونه امکان داشت که کاخ‌های مجللی چون تخت جمشید در دامنه کوه رحمت باشد و شهری در کنارش بوجود نیامده باشد آنها بدون شك نمیتوانستند تمام سال را زیر چادر بسر برند زیرا در ناحیه تخت جمشید و مرو دشت در زمستان بارانهای شدیدی می‌آید